

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا، از تو خواهش می‌کنم

بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

به حق مهربانی‌ات که شامل حال همه موجودات می‌شود

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به حق نیرویت که با آن بر همه چیز غالب هستی

وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ

و هر چیزی در برابر آن فروتن و متواضع است

وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ

و همه چیز در مقابل آن خوار و حقیر می باشد

وَبَجَبَرَوْتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به حق بزرگی بی نظیرت که هر قدرتی در برابر آن ناتوان است

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ

و به حق عزت و اقتدارت که هیچ کسی و هیچ چیزی

تاب و توان ایستادگی در مقابل آن را ندارد

وَبِعَظْمَتِكَ الَّتِي مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ

و به حقّ عظمت و شکوهت که همه چیز و همه جا را
فراگرفته و پر کرده است

وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به حقّ فرمانروایی نافذت که از همه نیروهای عالم بالاتر است

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و به حقّ ذات پاک و مقدس است که
پس از نابودی همه چیز تا ابد باقی است

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و به حق نام‌های مبارک و زیبایت که
در تار و پود هر چیزی جلوه‌گر است

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و به حق علم و آگاهی بی‌کران و نامحدودت که همه چیز را
در بر گرفته است و بر هر موضوعی احاطه دارد

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و به حق نور ذات مقدس و پاکت که همه عالم جلوه‌ای
از آن نور است و هر ذره به برکت آن روشنی و وجود دارد

یا نورُ یا قُدُّوسُ

ای نور حقیقی و ای پاک و مبرّا از هر عیب

یا اوَّلَ الاوَّلینَ

ای کسی که پیش از نخستین موجودات وجود داشته‌ای

و یا آخِرَ الآخِرینَ

و ای کسی که بعد از آخرین موجودات هم باقی خواهی بود
(ای خدای مهربان به حقّ تمام این صفات بی نظیرت
این گونه از تو خواهش می‌کنم)

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَتِكُ الْعِصَمَ

خدایا، آن گناہانی را کہ پردہ بی گناہی و عصمت مرا می‌درند
و حرمت میان من و تو را از بین می‌برند، برایم ببخش

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّعَمَ

خدایا، آن گناہانی را کہ انواع مجازات و مکافات را بر من
نازل می‌کنند، برایم ببخش

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ

خدایا، آن گناہانی کہ درهای نعمت را بر رویم می‌بندند،
برایم ببخش

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خدایا، آن گناہانی را کہ مانع می شوند دعایم اوج بگیرد
تا تو آن را برایم اجابت کنی، برایم ببخش

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ

خدایا، آن گناہانی را کہ موجب نازل شدن بلاها و گرفتاریها
می شوند، برایم ببخش

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ

خدایا، آن گناہانی را کہ رشته امید مرا قطع می کنند
(و باعث می شوند همچون افراد مایوس و نا امید، آمادہ
انجام هر کار زشت ریزو درشتی باشم) برایم ببخش

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ و

خدایا (در یک جمله می‌گویم)
هر گناهی را که مرتکب شده‌ام مرا ببخش

وَكُلِّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا

و نیز هر خطایی را که از من سرزده است برایم بیامرز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ

خداوندا، من می خواهم به وسیله ذکر و یادت
به تو نزدیک شوم

وَاسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ

(و به جای آنکه شخص دیگری را در پیشگاه تو واسطه کنم،
به تو روی آورم) و شخص تو را شفیع خود در بارگاہت قرار دهم

وَاسْأَلُكَ بِجُودِكَ

و از تو به حقِّ بخشش و کرمت می خواهم

أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ

که مرا (هر چقدر که می شود) به خویش نزدیک سازی

وَأَنْ تُوْزِعَنِي شُكْرَكَ

و به من توفیق دهی که از الطاف و نعمت های تشر کنم

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و چنان کنی که همواره به یادت باشم
و به حضور دائمت توجه داشته باشم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

مانند بنده‌ای خاضع و فروتن، خوار و ذلیل و خاشع و ترسان

أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

که در همه کارها در دنیا و آخرت بر من آسان بگیری
و به من رحم کنی

وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا

و چنان کنی که نسبت به روزی مشخصی که قسمت من است
و تو برایم در نظر گرفته‌ای، همواره راضی و قانع باشم

وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

و در همه حال (در برابر تو و دوستان تو) متواضع باشم

اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم همچون بنده‌ای
که به شدت فقیر و بینواست

وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَ

و در پیچ و خمِ سختی‌ها و گرفتاری‌ها،
حاجتش را فقط به درگاه تو عرض می‌کند

وَ عَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ وَ

(و با این که دستش از کار نیک، خالی است باز هم امید دارد)
و شوق و رغبتش به نعمت‌های ابدی که نزد توست
فراوان است.

اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ

خداوندا، پادشاهی ات بسیار بزرگ و با عظمت است
(به طوری که همهٔ مخلوقات در همهٔ جهان ها و زمان ها،
پیوسته زیر سیطره و نفوذ تو هستند)

وَعَلَا مَكَانُكَ

و مقام والای تو از هر چه که می توان تصور کرد، بلندتر است

وَخَفِيَ مَكْرُكَ

و تدبیر تو (برای ادارهٔ جهان، از فهم ما بندگان بالاتر و بر ما)
پوشیده است و تدبیر تو (در ادارهٔ جهان، برای ما بندگان
پوشیده است) (چرا که از فهم ما بالاتر است)

وَظَهَرَ أَمْرُكَ

و امر و فرمان تو (در جهان هستی و در میان بندگان
ظاهر و واضح می باشد

وَغَلَبَ قَهْرُكَ

و قهر و غضبت، چیره و کوبنده است

وَجَرَّتْ قُدْرَتُكَ

و قدرت تو در همه عالم، نافذ و مؤثر است.

وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

و هیچ راهی برای فرار از قلمروی حکومت و سلطه تو
وجود ندارد.

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا

خداوندا، کسی را پیدا نمی‌کنم که گناهانم را ببخشد و بیامرزد

وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا

و بر روی اعمال و رفتار زشت‌م، پرده و پوششی بکشد

وَلَا لِشَيْءٍ مِّنْ عَمَلِيَّ الْقَبِيحِ
بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا

و (حتی اگر شده) یکی از کارهای ناپسند مرا،
به کار نیک تبدیل کند

غَيْرِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

به غیر از تو که خدایی جز تو وجود ندارد

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

تو از هر عیب و نقصی پاکی و من به حمد و ستایش تو مشغولم

ظَلَمْتُ نَفْسِي

من همان کسی هستم که به خودم ظلم کردم

وَتَجَرَّاتُ بِجَهْلِي

و در اثر جهل و نادانی جرأت نموده
و بر گناهانم اصرار ورزیدم

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمِنْكَ عَلَيَّ

و از آنجا که همیشه به یاد من بودی و بر من
لطف و احسان می کردی، همواره خاطر من آسوده بود
(و به شیوه نادرست خود ادامه دادم).

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ

ای خدا وای مولای من

كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَ

چه بسیارند کارهای زشتم که آنها را پوشاندی
(و رسوایم نکردی)

وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ وَ

و چه بسیارند بلاهای سنگینی که آنها را از من برطرف ساختی

وَکَمِّ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتِهِ،

و چه بسیارند لغزش‌ها و پرتگاه‌هایی
که مرا از سقوط در آنها حفظ فرمودی

وَکَمِّ مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ،

و چه بسیارند امور ناخوشایندی که از من دور کردی

وَکَمِّ مِنْ ثَنَائٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ، وَنَشْرَتِهِ،

و چه بسیارند تعریف‌ها و ستایش‌هایی که من سزاوار آنها نبودم
ولی تو آن ستایش‌ها را درباره من رواج دادی و منتشر ساختی.

اللَّهُمَّ عَظَمَ بِلَائِي

خداوندا، غمی بزرگ در دل دارم

وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي

و بد حالی من بیش از حد است

وَقَصَّرْتُ بِي أَعْمَالِي

و اعمال و کردارم نارسا و ناقص است

وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي

و بندهای هوا و هوس و علاقه به دنیا، همچون زنجیر
دست و پایم را بسته و مرا زمین گیر کرده است

وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي

و آرزوهای دور و دراز دنیوی،
مرا از رسیدن به هر سود و منفعتی باز داشته است

وَ خَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا

و دنیا با ظاهر فریبنده‌اش مرا از راه به در کرده است

وَ نَفْسِي بِجَنَائِثِهَا وَ مِطَالِي

و نفس اماره‌ام با جنایتکاری تمام، از طریق سهل‌انگاریم
(و امروز و فردا کردنم در توبه و کارهای نیک)
مرا فریب داده است.

یا سَیِّدِی

پس ای سرور و مولای من

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ

تو را به حقّ عزّت و جلالت سوگند می‌دهم

أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي
سَوْءُ عَمَلِي وَفِعَالِي

که مبادا عملکرد زشت و رفتار ناپسند من
مانع آن شود که دعایم را بپذیری و اجابت کنی

وَلَا تَفْضَحْنِي
بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي

و مبادا به واسطه اسرارِ نهانم، که از آنها آگاهی،
آبرویم را بریزی و رسوایم کنی

وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ
عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي

و مبادا به سبب اعمالی که در خلوت و تنهایی انجام داده‌ام،
در مجازاتم شتاب کنی

مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَ اِسْءَاتِي

اعمالی از قبیل کارهای بد و ناشایستی که انجام داده‌ام

وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي

یا اینکه کوتاهی‌ها و نادانی‌هایم را ادامه داده‌ام

وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفَلَتِي

یا اینکه در شهوت و غفلت افراط کرده‌ام.

وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَئُوفًا

(اکنون هرچه که بوده‌ام)

تورا به عزّت و جلالت سوگند می‌دهم

که در تمام احوال و شرایط، با من مهربان باشی

وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَظُوفًا

و در تمام کارها نسبت به من با لطف و مدارا رفتار کنی.

إِلَهِي وَرَبِّي

ای خدای من و ای پروردگارم

مَنْ لِي غَيْرُكَ

من به غیر از تو چه کسی را دارم

أَسْأَلُهُ وَكَشَفَ ضُرِّي

تا از او درخواست کنم که اندوه و گرفتاریم را برطرف سازد

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

و با لطف و مهربانی به کار من عنایت و توجه کند؟

إِلَهِي وَمَوْلَايَ

ای خدای من و ای سرور و مولای من

أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حُكْمًا

تو حکم و فرمانی (در جهت مصلحت من)
برایم مقرر و مشخص کردی

إِتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي

ولی من به جای اجرای آن، از هوای نفسم پیروی کردم

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي

و در برابر وسوسه‌های فریبنده شیطان که دشمن
من بود خود را حفظ نکردم

فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى

و او هم (از ضعف من استفاده کرد و)
مرا به کمک خواهشِ دلِ خودم فریب داد

وَأَسْعَدَهُ، عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ

و ارادهٔ تو (که می خواستی انسان ها اختیار داشته باشند) نیز،
شیطان را برای گمراه کردن من کمک کرد

فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ

و در اثر این اتفاقاتی که برایم افتاد،
از بعضی قوانین تو نافرمانی کردم

وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

و با بعضی دستورات تو مخالفت کردم

فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

و البته در مورد تمام این چیزهایی که پیش آمد،
تو با من اتمام حجت کرده بودی

وَلَا حُجَّةَ لِي فِي مَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ

و من در مورد سرنوشت خود (بعد از آن همه نافرمانی)
هیچ دفاع و اعتراضی ندارم

وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ

و نسبت به حکمی که برای مجازات من در نظر گرفته ای و
امتحانی که از من به عمل آورده ای، هیچ گله و شکایتی ندارم.

وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي

حال ای خدای مهربانم، به درگاہت آمده‌ام

بَعْدَ تَقْصِيرِي

بعد از مدّت‌ها کوتاهی در بندگی

وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي

و زیاده‌روی در گناه

مُعْتَذِرًا نَادِمًا

(به نزد تو آمده‌ام) در حالی که بهانه می‌آورم و پشیمانم،

مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلاً

دل شکسته‌ام و از تو می‌خواهم،

مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا

آمرزش می‌طلبم و دربه‌در با ناله و زاری
به دنبال راه بازگشت به سوی تو هستم

مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا

در حالی که به گناهانم اقرار دارم و آنها را به عهده می‌گیرم
و به آنها اعتراف می‌کنم.

لَا أَجِدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي

و هیچ راه فرار و توجیهی برای شانه خالی کردن
از مسئولیت آنچه انجام داده‌ام سراغ ندارم

وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

و هیچ پناهگاهی که در این شرایط دشوار
به آن پناه ببرم پیدا نمی‌کنم

غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي

مگر اینکه تو عذر و بهانه مرا بپذیری

وَادْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ

و مرا در سایه لطف و رحمت بی‌کرانت داخل کنی و پناه دهی.

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي

پس خدایا، عذرم را بپذیر

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي

و به این حال پریشانی و گرفتاری شدیدم رحم کن

وَفُكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي

و مرا از اسارت گناهانی که به شدت دست و پایم را بسته اند
نجات بده.

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي

پروردگارا، بر بدن ضعیف و ناتوانم رحم کن

وَرِقَّةَ جِلْدِي

و همچنین بر نازکی و بی طاقتی پوستم ترحم فرما

وَدِقَّةَ عَظْمِي

و بر ظرافت و شکنندگی استخوانم رحمت آور.

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي

ای کسی که در ابتدا خلقتم را آغاز کردی
و اولین بار مرا یاد کردی

وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي

و از همان اول به بهترین وجه مرا پرورش دادی
و به من نیکی کردی و روزی بخشید

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ

اکنون در امتداد همان بزرگواری و کرم همیشگی‌ات،
مرا ببخش

وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي

و در ادامه احسان و لطفی که از گذشته با من داشته‌ای،
از من درگذر.

يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي

ای خدا و مولا و پروردگار من

اَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ

آیا به راستی باور کنم که مرا به آتش قهرت عذاب می‌کنی؟

بَعْدَ تَوْحِيدِكَ

آن هم بعد از این که به یگانگی‌ات اقرار کرده‌ام

وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ

و بعد از اینکه دلم به نور معرفت تو، آباد و روشن گردیده

وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

و زبانم با ذکر و یاد تو گویا شده

وَاعْتَقَدَهُ وَضْمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و محبت تو با تمام وجودم پیوند خورده
و در آن ماندگار شده است؟

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي
وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ

و بعد از اینکه به مقام صاحب اختیار بودن
و بنده پروری ات صادقانه اعتراف نموده
و خاضعانه به درگاهت دعا کرده‌ام؟

هیهات

از تو بسیار بعید است

أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ وَ

تو کریم‌تر و بزرگوarter از آنی که بنده‌ای را که
خودت پرورش داده‌ای، رها کنی تا نابود شود

أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ وَ

یا بنده‌ای را که به خویشتن نزدیکش کرده‌ای،
از خود دورش کنی

أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوَيْتَهُ،

یا بنده‌ای را که همواره پناهِش داده‌ای از خود طرد نمایی

أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ، وَرَحِمْتَهُ،

یا بنده‌ای را که خودت سرپرستی‌اش کرده‌ای و با لطف و
رحمت تربیتش نموده‌ای، تسلیم امواج بلا و گرفتاری کنی،

وَلَيْتَ شِعْرِي

و کاش می دانستم

يَا سَيِّدِي وَ اِلٰهِي وَ مَوْلَايَ

ای آقا و معبود و مولای من

اَتَسَلُّ النَّارَ
عَلَىٰ وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً

آیا آتش برافروخته دوزخ را بر چهره‌هایی که در برابر عظمت
و مقام تو به سجده افتاده‌اند مسلط خواهی کرد؟

وَعَلَى السُّنِّ نَطَقْتَ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً

و آیا شعله غضبت را بر زبان‌هایی که صادقانه
به یگانگی تو اقرار کرده‌اند

و بِشُكْرِكَ مَادِحَةً

و با شکرگزاری، تو را ستایش کرده‌اند، چیره خواهی کرد؟

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً

و آیا آتش خشم را بر دل‌هایی که از روی پژوهش و یقین،
به بزرگی و خداوندی تو اعتراف کرده‌اند، غالب می‌سازی؟

وَعَلَىٰ ضُمَائِرِ حَوْتٍ مِّنَ الْعِلْمِ بِكَ

و آیا آتش قهرت را بر دل هایی مسلط می کنی که
آن قدر نسبت به تو علم و معرفت دارند

حَتَّىٰ صَارَتْ خَاشِعَةً

که در پیشگاه تو خاشع و ترسان گشته اند؟

وَعَلَىٰ جَوَارِحِ سَعَتٍ إِلَىٰ أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً

و آیا آتش غضبت بر اعضا و بدن هایی چیره می سازی که
مشتاقانه به سوی مکان های عبادت تو شتافته اند

وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

و با اقرار به اشتباهات خود جویای آمرزش تو هستند؟

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ

هرگز چنین گمانی راجع به تو در باورم نمی‌گنجد

وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

و آن شناختی که ما بندگان از فضل و کرم تو داریم،
این‌گونه نیست.

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ

ای خدای کریم و بزرگوار و ای پروردگار من

وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي

همه اینها در حالی است که تو به خوبی ناتوانی مرا می دانی

عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا

در مقابل گوشه‌ای از بلاها و مجازات‌های دنیا

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا

و می دانی که تا چه حد در برابر ناملایماتی که معمولاً
به مردم دنیا می رسد ضعیف و عاجزم

عَلَىٰ أَنْ ذَلِكْ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ

با این که گرفتاری های دنیا، ناراحتی و بلایی است

قَلِيلٌ مَّكْثُهُ

که هم زودگذر است.

يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ

هم کم دوام می باشد،

قَصِيرٌ مُدَّتُهُ

و هم کوتاه مدت است.

فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِجَلْبَاءِ الْاٰخِرَةِ

پس من چگونه می توانم بلاهای بزرگِ آخرت را تحمل کنم

وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا

و در برابر ناملايماتِ سختِ آن طاقت بیاورم

وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ

در صورتی که مدت عذاب آن جهان طولانی است

وَيَدْوُمُ مَقَامَهُ

و ماندن در آن دائمی است

وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

و هیچ تخفیفی به گرفتاران آن عذاب داده نمی شود

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ
وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ

زیرا آن عذاب فقط از غضب تو و انتقام عادلانهات و خشم تو
سرچشمه گرفته است

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

و خشم تو به گونه ای است که آسمان ها و زمین
(و موجودات درون آنها) تحملش را ندارند

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي

ای آقای من،
(وقتی جهان هستی این‌گونه در مقابل خشم عا‌ج‌ز است)
وضع من چگونه است؟

وَإِنَّا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ

در حالی که من بنده ناتوان تو هستم

الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

بنده ذلیل و بی‌مقدار و مستمند و بیچاره‌ات

يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

ای خدا و پروردگار و آقا و مولای من

لِاِيِّ الْاُمُوْرِ اِلَيْكَ اَشْكُو

برای کدام یک از گرفتاری‌هایم به تو شکایت کنم؟

وَلِيْمَا مِنْهَا اَضِحُّ وَاَبْكِي

و برای کدام یک از آنها گریه و زاری کنم؟

لِاَلِيْمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهٖ

آیا برای عذاب دردناک و سخت دوزخ، ترسان باشم؟

اَمْ لِطُوْلِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهٖ

یا برای بلای طولانی مدت آن؟

فَلَيْنَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ

پس اگر مرا همراه با دشمنان مجازت و عذاب کنی

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ

و با گرفتاران عذاب و بلا، در یک جا قرار دهی

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ

و میان من با دوستداران و دوستانت جدایی بیندازی

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي

گیرم که ای خدا و مولا و پروردگارم

صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ

بر عذاب تو صبر کنم

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ

اما چگونه می توانم فراق و دوری تو را تحمل کنم؟

وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ

و گیرم که من در برابر حرارت آتشت طاقت بیاورم

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظْرِ إِلَى كَرَامَتِكَ

اما چگونه می توانم تحمل کنم که لطف و کرم گسترده تو
(که شامل حال همه چیز می شود) شامل من نشود و چگونه
می توانم از آن همه رحمت بی کران صرف نظر کنم؟

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ

یا چگونه در میان آتش بمانم با اینکه
به عفو و گذشت تو امید دارم؟

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

پس ای آقا و مولای من، به عزت و جلالت

أُقْسِمُ صَادِقًا

صادقانه قسم می خورم

لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا

که اگر زبانم را در جهنم باز بگذاری

لَأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ

در میان اهل دوزخ همچون ناله آرزومندان

به درگاہت ناله سر خواهیم داد

وَلَا صُرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمَسْتَصْرِخِينَ

و مانند کسانی که با صدای بلند یاری می خواهند
تورا صدا می زنم

وَلَا بَكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و همچون داغدارانی که در فراقِ عزیزِ گم‌گشته خویشت
گریه می‌کنند، از دوریِ تو گریه و زاری سر نخواهم داد

وَلَا تُنَادِيَنَّكَ آيِنَ كُنْتَ

و در آن حال با تمام وجود تو را صدا می‌زنم و می‌گویم: کجایی؟

يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

ای یاور و سرپرست مؤمنان

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ

ای منتهای آرزوی عارفان

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای فریادرسِ درماندگان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

ای محبوب دل‌های راستگویان

وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

وای یکتا خدای جهانیان.

أَفْتِرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ

آیا واقعاً درباره تو - ای خدای پاک و ستوده ام -
می توان این طور گمان کرد

تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

که فریاد بنده مسلمان را بشنوی

سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

که به خاطر نافرمانی اش در آتش دوزخ زندانی شده

وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ

و طعم تلخ عذاب آتش را به سزای گناهِش می چشد

وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

و در میان طبقات جهنم به خاطر جرم و تباہکاری اش
گرفتار شده

وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيحَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ

و این در حالی است که او با آرزوی رسیدن به رحمت تو،
نال و زاری می کند

و يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

و با زبان و بیان یگانه پرستان و اهل توحید،
تو را با تمام وجود صدا می زند

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و با استمداد از مقام صاحب اختیاری و بنده پروری ات
و شفیع قرار دادن آن، دست نیاز به سوی تو دراز می کند
(آیا ممکن است به چنین بنده ای اعتنا نکنی؟)

یا مَوْلای

ای مولای من،

فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ

پس چگونه ممکن است این فرد
در میان عذاب گرفتار بماند

وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ

در حالی که سابقهٔ حلم و بردباریِ تو را به یاد دارد
و به آن امیدوار است؟

أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ

یا چگونه ممکن است آتش دوزخ او را اذیت کند،

وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

در حالی که او آرزوی فضل و رحمت تو را دارد؟

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُهَا

یا چگونه ممکن است شعله آتش او را بسوزاند،

وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ

در حالی که تو صدایش را می شنوی

وَتَرَى مَكَانَهُ

و جایگاهش را می بینی؟

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

یا چگونه ممکن است شرارهٔ آتش او را از هر سو فرا گیرد،

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ

در حالی که تو از ضعف و بی طاقتی او آگاهی؟

أَمْ كَيْفَ يَتَّقَلُّ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

یا چگونه ممکن است در میان طبقاتِ دوزخ دست و پا بزند،

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

در حالی که تو صداقتش را می دانی؟

أَمْ كَيْفَ تَزَجُرهُ زَبَانِيَّتُهَا

یا چگونه ممکن است مأمورانِ دوزخ او را زجر دهند
و مجازات کنند

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٖ

در حالی که او با صدای بلند تو را به کمک می خواند
و یا رب یا رب می گوید؟

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا

یا چگونه ممکن است برای آزادی از جهنم
به فضل و بخشش تو امیدوار باشد

فَتَتْرُكُهُ فِيهَا

ولی او را در آنجا به حال خود رها کنی؟

هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ

اصلاً امکان ندارد و نمی‌توان درباره‌ی تو این‌گونه تصوّر کرد

وَلَا المَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

و تا آنجا که تو را می‌شناسم، چنین برخوردی
متناسب با فضل و گرمی که از تو سراغ دارم نیست

وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ المَوْحِدِينَ
مِنْ بَرِّكَ وَ اِحْسَانِكَ

و با رفتار تو با یگانه‌پرستانِ عالم، که همواره
از سر لطف و احسان بوده است، شباهت ندارد.

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ

و من با یقینِ قطعی می دانم

لَوْلَا مَا حَاكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَا حِدِيكَ

که اگر (تو بنا نداشتی عدالت را در مورد انسان ها اجرا کنی
و اگر بر این اساس) فرمانِ عادلانه تو برای عذاب کافران
صادر نشده بود،

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

و اگر این حکم قطعی تو نبود که دشمنانِ لجوج تو
همیشه باید در عذاب باقی بمانند،

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

حتماً تمام آتش دوزخ را سرد و سلامت می کردی

وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا

و دیگر هیچ کسی در جهنم جایگاه و منزلی نداشت.

لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

ولی تو ای خدایی که تمام نام‌هایت مقدس است

أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ

(براساس حکمت و عدالت خود) قسم خورده‌ای
که جهنم را از کافران پر کنی

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

و هر جنّ و انسان کافری را در آن بیندازی

وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

و دشمنان لجوج خود را برای همیشه در آن زندانی کنی

وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ

و تو که بی اندازه قابل حمد و ستایش هستی

قُلْتَ مُبْتَدَأً

از ابتدا چنین گفته‌ای
(که جهنم را از کافرانِ جنّ و انس پر می‌کنم)

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا

و آنگاه بر اساس لطف و کرم خویش
(بین نیکان و بدان فرق گذاشته‌ای و) فرموده‌ای:

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا

«آیا شخص مؤمن مانند شخص فاسق و تباہکار است؟»

لَا يَسْتَوُونَ

نه، مساوی نیستند.»

إِلٰهِي وَسَيِّدِي

ای خدای من و سرور من

فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

از تو می خواهم، به حقّ تقدیر و سرنوشت و قانونی
که در نظر گرفتی و مقدر ساختی

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَاكَمْتَهَا

و به حقّ فرمانی که آن را به طور حتمی و مسلم صادر نمودی

وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا

و بر هر کسی که مشمول چنین فرمانی شد،
چیره و مسلط بوده‌ای و هستی

أَنْ تَهَبَ لِي
فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

(به حقّ این جلوه‌های حکمت و توانایی‌ات، از تومی خواهم)
که در این شب و در این زمان، بر من ببخشی:

كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ

هر جرمی را که مرتکب شده‌ام

وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

و هر گناهی را که از من سرزده است

وَكُلِّ قَبِيحَ أَسْرَرْتُهُ و

و هر کار زشتی را که در نهان انجام داده‌ام

وَكُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ و

و هر عملی را که از روی نادانی مرتکب شده‌ام

كَتَمْتُهُ و أَوَّاعَلَنْتُهُ و

چه دور از نگاه دیگران، چه آشکارا

أَخْفَيْتُهُ و أَوَّأَظْهَرْتُهُ و

چه مخفیانه، چه علنی

وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ

و نیز هر کار ناپسندی را که به فرشتگان گرامی
(که شاهد و ناظرِ اعمال من هستند) فرمان داده‌ای آن را
ثبت و ضبط کنند (بر من ببخشی)

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

همان نویسندگانی که آنها را مأمور
حفظ و نگهداریِ اعمال من کرده‌ای

وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي

و ایشان را همراه با اعضای بدنم،
شاهد و گواه بر من و کارهای من قرار داده‌ای

وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

و خودت فراتر از آنها مراقب من هستی

وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

و شاهد اعمالی هستی که از آنها مخفی می ماند

و بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ

ولی به خاطر رحمت خویش، آنها را پنهان می داری

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

و از روی فضل و کرمات آنها را می پوشانی

وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي

و همچنین از تو می خواهم که حظ و بهره فراوان
نصیب من فرمایی

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ،

از هر خیر و برکتی که نازل می کنی

أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ،

و هر نیکی و احسانی که می بخشی

أَوْ بَرِّئَ نَشْرَتَهُ،

و هر گونه خوبی که انتشار و گسترش می دهی

أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ

و هر گونه رزق و روزی که (در میان مخلوقات) توزیع می‌کنی

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ

و هر گناهی که می‌آمرزی

أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ

و هر خطایی که می‌پوشانی.

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای خدای من، ای صاحب من، ای پروردگار من

يَا اِلٰهِي وَ سَيِّدِي

ای معبود و آقای من

وَمَوْلَايَ وَ مَالِكِ رَقِي

وای مولا و مالک من

يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي

ای کسی که اختیار من به دست توست

يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكَتِي

ای کسی که از پریشانی و ناتوانی من آگاهی

يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي

ای کسی که از فقر و بینوایی من باخبری

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای خدای من، ای صاحب من، ای پروردگار من

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ

از تو می خواهم به حقّ خودت و به حقّ ذات پاک و مقدّست

وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ

و به حقّ بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت

أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً

که تمام لحظات شبانه‌روزم را به ذکر و یاد خودت آباد گردانی

و بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً

و چنان کنی که دائماً در حال خدمت و اطاعت تو باشم

وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً

و اعمالم در نزد تو مورد قبول باشد

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي
كُلُّهَا وِرْدًا وَاحِدًا

تا اینکه کردار و گفتارم همگی به یک جا ختم شود

وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

که آن هم تلاشِ بی وقفه برای کسب رضایت تو
و خدمت به دین تو باشد

یا سَیِّدِی

ای آقای من

یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلِی

ای کسی که تمام اعتماد و توکلم برتوست

یا مَنْ إِلَیْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالی

ای کسی که از حال زار و پریشانم به تو شکایت می‌کنم

یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ

ای خدای من، ای صاحب من، ای پروردگار من

قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي

مرا برای بندگی و خدمتگزاری در راه رضای خود
قوی و نیرومند ساز

وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي

و در این مسیر، گرایش‌ها و تمایلات مرا همسو و تنظیم کن
تا عزم و توان و اراده و پایداری من محکم شود

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشِيَّتِكَ

و به من توفیق بده که همواره با جدیت تمام
از آنچه تو را ناراضی می‌کند هراسان باشم و دوری کنم

وَالدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

و به طور پیوسته در مسیر بندگی و خدمتگزاری
برای کسب رضای تو بکوشم

حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ

تا در میدان‌های مسابقه (برای بندگی و وصالِ تو)
به سویت روانه شوم

وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ

و در این مسابقه از همه پیشتازان سبقت بگیرم

وَأَشْتاقَ إِلَىٰ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ

و در جمعِ مشتاقانِ نزدیکی به تو، عاشقانه به سویت بیایم

وَأَدْنُو مِنكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ

و همچون اشخاص با اخلاص و بی‌ریا به تو نزدیک شوم

وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

و مانند صاحبان یقین
(که نتایج نافرمانی از معشوق را با چشم دیده‌اند)
هر لحظه از نارضایتی تو نگران باشم و بترسم

وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

و بالاخره به همراه سایر مؤمنان در جوار تو ساکن شوم.

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسَوْءٍ فَأَرِدْهُ

خدایا، هر کسی برای من بدی بخواهد تو مجازاتش کن

وَمَنْ كَادَنِي فِكِدْهُ

و هر کسی درباره من مکر و حيله کند خودت پاسخش را بده

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ بِنْدِغَانِي قَرَارِ دِهْ كِه بِيْشْتَرِيْن نَصِيْب رَا

از لطف و عنایت تو دارند

وَاقْرَبِهِمْ مِّنْزَلَةً مِّنْكَ

و نزدیک‌ترین مقام و منزلت را نسبت به تو دارا هستند

وَإَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَّدَيْكَ

و خاص‌ترین رتبه و درجه را در پیشگاه تو دارند

فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

زیرا هیچ کسی جز به کمک لطف و رحمت تو،
نمی‌تواند به این جایگاه برسد

وَجُدلی بِجُودِکَ

و همچنین ای خدای مهربان، با بخشش و کرم بی پایانت
نسبت به من، بنده نوازی کن و مرحمت فرما

وَاعْطِف عَلَیَّ بِمَجْدِکَ

و با بزرگواری بی نظیرت به من توجه کن
و نظر عنایتت را از من دریغ مدار

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و با رحمت بی انتهایت مرا (از شرّ بدی های دو عالم) حفظ کن

وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا

و یاری ام کن تا همیشه ذکر و یاد تو بر زبانم جاری باشد

وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا

و قلبم بر اثر عشق و محبتت، بی تاب و بی قرار باشد

وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ

و بر سرم منت بگذار و دعایم را به نیکی اجابت فرما

وَاقْلِنِي عَثْرَتِي

و لغزشم را نادیده بگیر

وَاعْفِرْ زَلَّتِي

و خطایم را بیامرز

فَانَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ

زیرا که خودت (از سر لطف و بنده پروری)
به بندگان دستور دادی تو را پرستش کنند

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ

و آنها را مأمور نمودی که به درگاهت دعا کنند

وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

و ضمانت کردی که دعایشان را اجابت کنی و پاسخ دهی

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي

اکنون ای پروردگارم، با دعایم به سوی تو روی آورده‌ام

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

و دستِ نیازم را به درگاهِ تو دراز کرده‌ام

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

پس به عزّت و جلالت قَسَمْتُ می‌دهم
که دعایم را بپذیری و مستجاب کنی

وَبَلِّغْنِي مُنَايَ

و مرا به آرزویم (که وصال توست) برسانی

وَلَا تَقْطَعْ مِن فَضْلِكَ رَجَائِي

و امیدم را به فضل و کرمت ناامید نگردانی

وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

و مرا از شر دشمنانم - چه جنّی و چه انسی -
در امان خودت نگاه داری.

یا سَرِیعَ الرِّضَا

ای خدایی که زود و سریع از بندگانت راضی می شوی

إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

بنده‌ای را که چیزی جز دعا در اختیار ندارد بیامرز

فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ

که البته تو هرچه را بخواهی انجام می دهی
(و هیچ مانعی بر سر راه خواست تو نیست)

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ

ای خدایی که نامت داروی درد است

وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ

و یادت شفای دردمندان است

وَطَاعَتُهُ غِنَى

و اطاعت از تو، بندهات را (از هر شخص و هر چیز دیگری)
بی نیاز می سازد

إِرْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

ترحم کن به کسی که سرمایه اش فقط امیدواری به توست

وَسِيْلَهُ الْبُكَاءُ

و تنها سلاحش گریه و زاری است
(و در واقع آن قدر در مقابل تو عاجز و دست خالی است که از
خودش هیچ ندارد که بخواهد به وسیله آن از تو طلب رحم و
آمرزش کند).

یا سَابِغِ النَّعْمِ

ای کسی که نعمت‌ها را به طور کامل می‌بخشی

یا دَافِعِ النَّقَمِ

ای کسی که بلاها و گرفتاری‌ها را دور می‌کنی

یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ

ای روشناییِ قلب‌هایی که در ظلماتِ (فراقِ یار)
دچار وحشت شده‌اند

یا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ

ای دانشمندی که هیچ معلّمی نداشته و ندارد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

و با من آن چنان رفتار کن که تو سزاوار آن هستی
(نه آن چنان که من سزاوارم)

وَصَلِّ اللَّهَ عَلَى رَسُولِهِ

و صلوات و رحمت بی پایان خدا، بر رسول گرامی اش

وَالْأئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ

و همچنین امامان پربرکت از اهل بیت ایشان

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

و سلام و درود فراوان بر آن بزرگواران باد.